

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

National and Revolutionar Characters

شخصیت های ملی و انقلابی

داکتر عبدالحنان روستائی

۰۱ سپتمبر ۲۰۲۴

به نام خداوند بخشاینده و مهربان

(این نوشته در مراسم تدفین بر مزار خانم نسرین معروفی قرانت گردید.)

در نخست این ضایعه عظیم را به آقای خلیل الله معروفی، فرزندان شان و به همه دوستان و خانواده های عزادار تسلیت گفته، برای جمیع دوستان صبر و حوصله مندی و برای آن عزیز سفر کرده، بهشت برین آرزو می نمایم.

## در رثای نسرین معروفی، این گل نسرین خانواده و دوستان

زندگی خانم نسرین معروفی فراز و نشیب فراوان و طول و تفصیل بسیار دارد، که در این نوشته صرف به دو سه برهه مختصر از آن پرداخته می شود:

### ۱. از طفولیت تا جوانی

در یکی از روز های خجسته تابستان سال ۱۹۵۰ م در خانواده محترم نصرتی در شهر کابل، طفلی به این جهان پرآشوب دیده گشود. فضای خانواده از برکت تولد این نوزاد، که فروغ معصومیت از چهره اش می بارید از خوشی لبریز گردیده بود. چون او مانند گل نسرین می درخشید، ازینرو پدر و مادر اسم با مسمائی انتخاب کرده، او را نسرین نامیدند.

نسرین با گذشت زمان جان می گرفت و با ماحولش انس پیدا می کرد و آهسته آهسته با محیط پیرامونش عادت می نمود و با سختیها و سفتیهای آن می آمیخت و بر آن چیره می شد.

نسرین، که شش بهار زندگی را گذرانده، اینک در صنوف ابتدائی شاگرد مکتب "محبوبه هروی" ست. او سال اول مکتب را با شور و شوق آغاز کرد. از همان آغاز مکتب رفتنش آثار ذکاوت و تیزهوشی از ناصیه اش پیدا بود، چنان که از صنفی به صنفی بالا و بالا تر می رفت. او در سال ۱۹۶۲ به لیسه زرغونه، که از خانه فاصله طولانی تر داشت، می رفت. محیط لیسه چیزهای جالب تری را در برابر چشمان کنجکاو او می گذاشت. نسرین آهسته آهسته به سن نوجوانی پا گذاشته درسهای مکتب را به تندی می آموخت و صنفی را بعد از صنفی پشت سر می گذاشت. سخت کوشی، پیگیری، صبر و حوصله مندی و آموزش جدی، خصوصیات اند، که در نسرین جوان متبازر بود. سرانجام دوره مکتب در سال ۱۹۶۸ پایان یافت و زمان تحصیلات عالی فرا رسید. چون نسرین شیفته

خدمت به وطن و هم نوعان بود، لذا او از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۱ در مؤسسه تربیه معلم در رشته تاریخ مصروف تحصیل شد و بعد از پایان تحصیل به حیث معلم در رشته تاریخ در لیسه رابعه بلخی به تدریس پرداخت. نسرين در دوران کار، سمبول صداقت، نماد تمکین و نمونه ای از شرافت و اخلاق بود و تا پایان عمر این سجایای انسانی را با خود همراه داشت.

## ۲. نسرين در جوانی

نسرين جوانی بود لاغر اندام و میانه قامت، خوشخوی و حلیم، تند پای و تیزهوش که با شیرینی و زیبایی خاصی سخن می گفت و پیوسته لبخندی به لبانش چنان نقش بسته بود، تو گوئی بر روی زندگی می خندد. صفات پسندیده و انسانی نسرين را نمی توان در محدوده این مختصر بیان کرد. تذکرات من از سجایا و صفات نیک او فقط می تواند به مثابه "مشت نمونه ای از خروار" باشد.

نسرين نه تنها مسوول امور خانواده بود، بلکه خدمتگذار والدین و مشفق و مربی خواهران و برادران و فرزندان آنها نیز بود. در مقابل همه اعضای خانواده، او را در مقام والای مادر دوست داشتند و احترام می کردند. تلاش فرد فرد خانواده برای صحتیابی او و محبت فراوانی، که همه به نسرين داشتند و رنج عظیمی، که همه از بابت مریضی او کشیدند و اینک این همه اشک بسیاری، که در نبود او می ریزند، شاهد این محبت قلبیست، که خداوند برای همه شان اجر عظیم و صبر فراوان اعطا نماید. چنانکه بزرگان گفته اند که «یک صبر بهتر از هزار افسوس است.» قسمی، که گفته آمد، نسرين بعد از ختم دروس وارد محیط کار گردید که با علاقه فراوان می خواست به آن ادامه دهد.

ولی از یک سو او خود تلاش داشت تا بیشتر بیاموزد و بر غنای دانش خود بیفزاید و از جانب دیگر همسرش آقای معروفی، که سرآمد استادان زبان دری و نویسنده چیره دست است و نمی خواست بیش از آن در محیط دور از آموزش و فراگیری "صاحب منصبی" و "عسکری" خود را از آموزش و ارتقای دانش محروم سازد و از همین رو قبلاً به المان غرض تحصیل اقامت اختیار نموده بود؛ در نوامبر سال ۱۹۷۲ درست ۶ ماه بعد از اقامت همسرش در برلین، وارد این شهر شده به تحصیل علم آغاز نمود، نسرين جوان با تمام علاقه ای که به درس داشت، ۶ ماه بعد از اقامت در برلین پسر اول شان حامد کوچک را که تا آن زمان در کابل و نزد خانواده بود به المان آورده در عمل به اثبات رسانید که علاقه ارتقای سوبه و عشق مادری را می تواند همزمان به دوش کشد. در نتیجه او در سال ۱۹۸۱ از "یونیورسیتی تخنیکي برلین" در رشته مهندسی به حیث دیپلوم انجنیر فارغ گردید. ناگفته نماند که نسرين در تمام مدت اقامت در المان تنها به فراگیری دروس دانشگاهی اکتفاء ننموده با بهره گیری از دانش عظیم همسرش آقای "معروفی"، در زمینه های شعر، ادب و نگارش نیز یک سر و گردن از همقطاران بلندتر شد. نسرين دو پسر دارد به نامهای داکتر حامد معروفی و داکتر کوشان معروفی. می توان نوشت نسرين به مثابه مادر هم با تربیت دو داکتر، جایگاه خاصی را تصاحب نموده است.

## ۳. نسرين در کارزار مبارزات سیاسی

نسرين بعد از ختم تحصیل در مؤسسات مختلف کار را آغاز کرد تا شغلی مطابق میلش را در مؤسسه ابرسانی برلین یافت. و ۲۷ سال بقیه سالهای کارش را در همانجا، که از مربوطات سنای برلین است، ایفای وظیفه نمود. او مدیر

یک بخش بود، که یازده کارمند المانی زیر دست داشت. وقتی او به سن تقاعد رسید مؤسسه آبرسانی برلین از خدمات او قدردانی کرده و تذکر داد، که آنها مایل نیستند، که چنین انسان کاری و صداقت‌مندی را از دست بدهند. نسرين به حيث یک زن آگاه در عین جوانی وارد کارزار مبارزه شده و در برابر ظلم و بی عدالتی، استبداد و اختناق، استعمار و ارتجاع قامت بر افراشت و به مبارزه بی امان و قاطع در بزنگاه هستی پرداخت. نسرين دارای خصوصیات خاصی بود، که او را به عنوان یک زن پیشرو و تغییرآفرین در جامعه متمایز می‌کند. این خصوصیات او به طور مثال شامل شجاعت او نیز است، که به حيث یک زن آگاه، که از بیان نظرات و اعتراضات خود در برابر ظلم و بی‌عدالتی نمی ترسید و با همه مشکلات، برای حقوق انسان، مخصوصاً حقوق زنان، مبارزه می‌کرد. نسرين به حيث یک زن پیشتر از آگاهی بالائی نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار بود. او تلاش می‌کرد تا با مطالعه و تحقیق، درک عمیقی از شرایط جامعه و نیازهای مردم به دست آورد. نسرين زنی بود با پشتکار و استقامت، که با پیگیری برای تحقق اهداف خویش با حوصله مندی تقلا می‌کرد.

کافیست در یکی دو مورد بر فعالیتهای او اندکی مکث کنیم. نسرين در مورد مبرمترین قضایای افغانستان با صاحب نظران مصاحبه می‌کرد، چنان که در وبسایت افغان جرمن آنلاین و وبسایت "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" حدود صد مصاحبه در آرشیف او موجود است.

همچنین نسرين بیشتر از صد مقاله در خصوص قضایای افغانستان و منطقه نوشته و دهها مضمون را از المانی به دری برگشتانده. آخرین مقالات او در مورد غم و رنج مردم فلسطین، مخصوصاً تجاوز دولت صهیونیستی در باریکه غزه بود. خصوصیات نسرين، که در بالا از آن یاد شد، در تمامی آثار و نوشته‌های او نمایان و قامت راست او را در میدان مبارزه بازگو می‌کنند.

#### ۴. از بستر بیماری تا جاودانگی

هنوز چند سالی از حالت آرامش باز نشستگی نسرين نگذشته بود، که او دچار بعضی مریضیهائی شده بود. لاکن او این تکالیف را جدی نمی‌گرفت و به کار و مبارزه دوام می‌داد تا این که مضاف بر این مریضی جانگدازی به سراغش آمد. از تصادف بد روزگار، که این مریضی توان زندگی را از نسرين پیوسته به تحلیل می‌برد. ولی نسرين با دل پردرد و رخساره زرد با شکیبائی کوهپیکر در برابر آن مقاومت می‌کرد. لاکن بعد از انجام یک سلسله معاینات گسترده، ثابت شد، که آن دانه کوچک که در کالبد ضعیف نسرين جا خوش کرده بود، بزرگ شدن نیست و آن مرض خانمانسوز علاج ناپذیر است. نسرين با این که فرجام این ناجوری جانفرسا را از همان آغازش می‌دانست، ولی هیچ‌گاهی دل از دست و استواری از جان نداد و به مثابه کوهی در برابر آن مقاومت می‌کرد. چند ماه قبل درد نسرين شدید و شدید تر شد تا سر انجام داکتران سفارش کردند، که نسرين به کلینیک یونیورسیتی برلین بستری گردد که آن هم سودی نبخشید.

آری! ۲۳ اگست ۲۰۲۴ و پاسی از نیمه شب گذشته بود، که نسرين داعیه اجل را لبیک گفته به ابدیت پیوست و داغ عمیقی بر قلب همسر، فرزندان و باقی عزیزان خود برجای گذاشت. درست سر ساعت یک نیمه شب بود، که قلب تپنده نسرين بعد از آنهمه عذابی که کشیده بود، از تپش باز ماند و نسرين در حالی که خرمی از آرزو ها در سینه سوخته بود، به مثابه اسطوره صبر و حوصله مندی و کوه مقاومت و دردمندی با زندگی وداع گفت و قلب دوستانش را غرقه به خون کرد. روحش شاد و یادش گرامی باد!

آری ! این قصه پر غصه چه دراز است و این سوگنامه پر درد و بی درمان چه حجیم و این صبرمندی نسرین چه عظیم.

نسرین! آرام بخواب! تو زنده ای، زنده در بسیط خرمن آرزوهای انسانی، که در سینه سوخته ای. تو صبور بودی و درد عمیقی کشیدی، یاد تو جاودانه می ماند.

خداوندا ! تو نسرین را غریق رحمت خود بگردان و به بازماندگانش صبر جمیل اعطا کن.

انا لله و انا الیه راجعون

پایان

داکتر عبدالحنان روستائی

المان، ۳۰ اگست ۲۰۲۴